
تبیین نظریه «نظام انقلابی» بر اساس ساختار وجودی انسان، با نگاه به بیانیه گام دوم

مصطفی عزیزی علویجه^۱

چکیده

یکی از روش‌های به کار رفته در علوم انسانی بهره‌مندی از شیوه الگوبرداری و الهام‌گیری از امور فطری است. ساختار وجودی انسان می‌تواند به‌عنوان الگویی مناسب برای تبیین نظام‌های اجتماعی قرار بگیرد. در بیانیه گام دوم تعبیر «نظریه نظام انقلابی» به کار رفته است؛ رهبر معظم انقلاب حقیقت نظام انقلابی را به گونه‌ای انسان‌وار توصیف کرده و ویژگی‌های یک انسان کمال یافته را برای آن بر می‌شمارند؛ گویا نظام انقلابی به مثابه یک انسان زنده دارای هدف، حرکت، اراده، تعادل، عقلانیت، شجاعت، استقامت، مهربانی و گذشت، جوانمردی، مروّت، صراحت، اقتدار، می‌باشد.

پژوهش پیش رو بر آن است تا در پرتو روش تحلیل عقلی نظریه نظام انقلابی را بر اساس ساختار وجودی انسان شالوده‌ریزی ماید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که همان‌گونه که نفس انسانی خاستگاه آثار حیاتی اوست، و برخوردار از حرکت جوهری و تکامل ذاتی و

۱. دانشجوی دکتری مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم mostafa.alavijeh@gmail.com

قوای تحریکی و ادراکی است و پیوند خاصی با بدن دارد، نظام انقلابی نیز موجودی زنده و پویاست که دارای حرکت تکاملی ذاتی بوده، و دارای قوای مخصوصی با چینشی شبیه چینش قوای نفس انسانی می باشد.

کلید واژگان: نظام انقلابی، نفس انسانی، قوای نفس، بیانیه گام دوم، حرکت جوهری.

مقدمه

بر پایه جهان بینی توحیدی نفس انسانی نفخه‌ای الهی و از سنخ عالم ملکوت و تجلی اعظم حق تعالی در هستی است؛ از این رو نفس سرچشمه حیات و اراده و توانمندی‌های انسان به شمار می‌آید.

از سوی دیگر مسئله الگوبرداری و اقتباس از امور تکوینی و فطری، در راستای باز تولید نظام‌های اجتماعی و ساختار حکومت، یکی از مباحث مهمی است که همواره در کانون توجه اندیشمندان بوده است. به طور کلی دو رویکرد اساسی در تبیین نظام‌های اجتماعی و ساختارهای حکومت مطرح است؛ رویکرد واقع‌گرایانه و رویکرد غیر واقع‌گرایانه و مبتنی بر قراردادهای اجتماعی.

رویکرد واقع‌گرایانه تلاش دارد که نظام‌های اجتماعی را بر پایه واقعیت‌های عینی استوار و پایه‌ریزی کند، در مقابل گرایش اعتباری و قراردادهای اجتماعی محض برآنند که نظام‌های اجتماعی صرف جعل و اعتبار و فرض هستند و هیچ واقعیتی در پس آن‌ها جز اعتبار معتبر وجود ندارد.

تحقیق پیش رو با رویکردی واقع‌گرایانه و با الهام از ساختار وجودی انسان و ابعاد وجودی او بر آن است تا نظریه «نظام انقلابی» را بازسازی و بازتولید کند. در حکمت اسلامی میراث گران‌بهایی از معارف و آموزه‌های ناب در حوزه نفس‌شناسی و معرفت نفس برجای مانده است که می‌توان در راستای ترسیم و تحلیل نظام‌سازی اجتماعی از آن بهره برد.

شایان ذکر آن که تعبیر «نظریه نظام انقلابی» در بیانیه گام دوم و در سخنان گهربار رهبر معظم انقلاب به کار رفته و تحقیق پیش رو این اصطلاح را از این بیانیه گرده برداری کرده است. از نظر پیشینه بحث تا کنون پژوهش و تحقیقی پیرامون بازسازی نظام انقلابی بر اساس ساختار وجودی انسان نیافتیم. در این تحقیق نخست مفاهیم اساسی ایضاح مفهومی شده سپس مولفه‌ها و شاخصه‌های نظام انقلابی بر پایه شاکله و ساختار وجودی انسان تبیین شده است.

مبانی تصویری و تصدیقی «نظریه نظام انقلابی»

پیش از ورود به اصل موضوع شایسته است به برخی از مبادی تصویری و تصدیقی موضوع مورد بحث اشاره کنیم:

الف) مفهوم «نظام»

نظم در لغت به معنا در یک سلک درآوردن اشیاء و چینش آن‌ها کنار یکدیگر و جلوگیری از پراکندگی و تشتت آنهاست. از این رو به نخ گردنبند مروارید که همه دانه‌های پراکنده مروارید را کنار هم‌دیگر گرد می‌آورد «نظام» گویند. (ابن منظور، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۴۶۹) مفهوم نظام در اصطلاح به معنای مجموعه‌ای از اجزا و عناصری است که برای دستیابی به هدف و غایتی مشترک در ترابط و تعامل با یکدیگر عمل نموده و در هم‌دیگر تأثیر و تأثر دارند.

نظام انقلابی نیز دارای شاخصه‌ها و مختصات یک نظام می‌باشد؛ از یک سو این نظام برخوردار از اجزا و عناصر نرم افزاری و سخت افزاری و عناصر انسانی و فکری و معرفتی است، از سوی دیگر این اجزا و عناصر در تعاملی آگاهانه با یکدیگر هستند برای تحقق بخشیدن به یک هدفی متعالی که همان تمدن نوین اسلامی است. منظور از قید «انقلابی» در نظریه نظام انقلابی همان تحوّل و دگرگونی بنیادین در مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی یک نظام سابق است؛ نظام انقلابی بر پایه فطرت الهی و جهان‌بینی توحیدی و ایدئولوژی مبتنی بر اسلام اصیل استوار است.

ب) مفهوم «ساختار»

واژه ساختار در لغت به معنای ترتیب اجزا و بخش‌های یک جسم، چگونگی ساختمان یک شیء، قالب، فرم، شکل، بافتار، ساختمان، اسکلت، بنیاد، بنا، و سامان کلی اجزا و بخش‌ها بر اساس ارتباط پویای آنهاست. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۸، ص ۱۶۸)

برخی معنای نظام و «ساختار» را یکی گرفته و بر این باورند که ساختار در اصطلاح،

مجموعه‌ای منسجم و سازواره از اجزا و عناصرند که در راستای تحقق بخشیدن به هدف و غایتی مشخص تعامل آگاهانه می‌کنند. از این رو معتقدند در هویت «ساختار» چند رکن مهم نقش آفرین است: هدف، اجزا و عناصر، تعامل و ترابط میان اجزا، مرز بندی‌ها، (عابدی نژاد، ۱۳۹۶، ص ۲۵۸)

اما به نظر می‌رسد مفهوم ساختار با مفهوم نظام متغایر است، ساختار به آن شکل و فرم و قالبی گفته می‌شود که بر چینش یک نظام حاکم است. هر نظامی دارای یک ساختار و چینش خاصی است؛ شاید بتوان گفت نسبت میان نظام و ساختار همانند نسبت میان جسم طبیعی و جسم تعلیمی (حجم) می‌باشد.

در این پژوهش هنگامی که سخن از «ساختار وجودی انسان» می‌شود، منظور معنایی اعم از نظام و ساختار حاکم بر آن است. این تحقیق در صدد آن است تا نظریه «نظام انقلابی» را بر پایه شاکله و ساختار وجودی انسان پایه‌ریزی کند.

ج) حقیقی یا اعتباری بودن «نظام»

در باب ماهیت‌های اجتماعی - مانند «نظام» - که در بستر جامعه ظهور و بروز می‌کنند، این پرسش اساسی مطرح است: آیا این‌گونه مفاهیم دارای یک هویت اعتباری و قراردادی محض است که هیچ ریشه‌ای در واقعیت خارجی ندارد و زمام آن به دست معتبر است؟ یا این که این مفاهیم اجتماعی اگر چه مصداق مستقلی در خارج دارد ولی ریشه در واقعیت خارجی داشته و دارای منشأ انتزاع عینی می‌باشند.

در مقابل این نگرش اعتباری محض به نظام‌سازی، رویکرد واقع‌گرایانه قرار دارد که بر این نقطه تأکید می‌کند که مفهوم نظام از جمله معقولات ثانیه فلسفی است که اگر چه مصداق منحاز و مستقلی در خارج ندارد؛ ولی دارای منشأ انتزاع خارجی است. به عنوان نمونه هر نظامی از افراد و عناصر خارجی تشکیل شده که دارای هدف و غایتی خاص می‌باشد. این افراد و اهداف و احکام برخاسته از نیازهای فطری و ذاتی انسان می‌تواند به عنوان منشأ انتزاع برای مفاهیم اجتماعی همچون مفهوم «نظام» باشد.

بر همین اساس برخی مسئله اصالت جامعه یا اصالت فرد یا اصالت هر دو را در همین چهارچوب مطرح نموده‌اند؛ شهید مطهری (رح) در یک تقسیم‌بندی سه ضلعی می‌گویند: «اصالت اجتماع» که معنایش انتزاعیت فرد است، آزادی فرد، اختیار فرد و نقش فرد قهراً بکلی از میان می‌رود و فقط جامعه است که نقش دارد، نقش اصیل از آن جامعه است و بس. ولی بنا بر نظریه اصالت فرد، افراد هستند و هر فردی به فراخور شخصیت خودش نقش دارد، جامعه هیچ‌کاره است. نظر سوم این است که در عین این که جامعه واقعاً مرکب است، ولی این ترکیب با ترکیبهای دیگر فرق می‌کند. این چنین نیست که شخصیت فرد بکلی نابود شده باشد آن چنان که در مرکبات طبیعی شخصیت عناصر اولیه دیگر هیچ نقشی ندارد، بلکه در عین این که جامعه یک شیء مرکب است، عناصر تشکیل دهنده جامعه از نوعی شخصیت و آزادی و استقلال بهره‌مندند که این می‌شود اصالت فرد در عین اصالت جامعه و اصالت جامعه در عین اصالت فرد؛ نه این که آیا فرد اصیل است و جامعه انتزاعی، یا جامعه اصیل است و فرد انتزاعی؟!» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۱۳۲)

بر این با رویکردی واقع‌گرایانه می‌توان گفت: نظام اجتماعی دارای مرگ و حیات، سعادت و شقاوت، پاداش و جزا، حرکت و پویایی، تکامل و تنازل می‌باشد.

مرحوم علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه در بحث اعتباریات بر این باورند که می‌توان حدّ یک چیزی را به چیز دیگری داد؛ ایشان در تعریف «اعتبار» می‌فرمایند: «اعتبار کردن یعنی حدّ چیزی را به چیز دیگری بدهیم، به منظور ترتیب آثاری که ارتباط با عوامل احساسی خود دارد». (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶)

بر این در این پژوهش تلاش داریم که حدّ ساختار نفس انسانی را به نظام انقلابی داده و یک الگوبرداری فطری از شاکله وجود نفس انسانی انجام بدهیم.

۱. هویت نفس گونه نظام انقلابی

نخستین نکته پیرامون هویت و حقیقت انسان تعریف نفس انسانی است؛ شیخ الرئيس ابو علی سینا «نفس» را به گونه‌ای تعریف می‌کند که شامل نفس نباتی و نفس حیوانی و

نفس انسانی هر سه می‌شود: «النفس هی کمالٌ أوّلٌ لجسم طبیعیّ آلیّ له أن یفعل أفعال الحیاه». (ابن سینا، ۱۳۷۵، ص ۲۲)

نفس از دیدگاه بوعلی کمال جسم و تکمیل‌کننده نوع اوست، این جسم یک جسم طبیعی است که کارهای حیاتی خود را از راه ابزار و ادواتی مانند اعضاء و قوای بدن انجام می‌دهد.

نکته شایان توجه در این تعریف که در تبیین انسان وار نظام انقلابی سودمند است قید «له أن یفعل أفعال الحیاه» می‌باشد. یعنی نفس منشأ و خاستگاه صدور افعال و کنش‌های حیاتی است. مهم‌ترین شاخصه و معیار «حیات» از دیدگاه بسیاری از حکماء «حرکت» و «ادراک» می‌باشد؛ یا به تعبیر برخی موجود زنده «فَعَالٍ دَرَاکٍ» می‌باشد. از این رو دو عنصر قدرت و علم از مقومات اساسی حیات به شمار می‌آیند.

یکی از راه‌هایی که می‌توان تشخیص داد موجودی دارای نفس و حیات است آن می‌باشد که آثار و خواص و ویژگی‌های آن را بررسی کنیم و از طریق آن‌ها پی ببریم آیا آن موجود دارای نفس حیات بخش می‌باشد یا خیر. به عنوان مثال گیاه دارای حرکت‌های متنوع و گوناگونی است و نیز دارای یک نوع ضعیف از آگاهی لمسی می‌باشد، از این جا کشف می‌کنیم که این حرکت و آگاهی گیاه منسوب به منشأ و سرچشمه حیات او یعنی نفس گیاهی است. همچنین حیوان دارای آثار و برون داده‌های خاصی مانند حرکت ارادی و آگاهی حسی و خیالی و وهمی است، در نتیجه دارای نفسی متناسب با آثار و خواص ویژه اوست. درباره انسان که درنگ می‌کنیم می‌بینیم آثار گوناگون و متفاوتی همانند حرکت ارادی قوی و آگاهی و علم ویژه‌ای مانند ادراک کلیات و تفکر و استنتاج و تحلیل داده‌ها و نیز برخی از علوم شهودی و حضوری خاصی از او صادر می‌شود که کاشف از یک نفس قوی می‌باشد.

از همین جا دانسته می‌شود که چون حیات دارای مراتب و درجات شدید و ضعیفی است و مقول به تشکیک می‌باشد، منشأ و خاستگاه حیات یعنی «نفس» نیز دارای مراتب و

درجات گوناگونی از کمال می‌باشد؛ نفس انسانی قوی‌تر و کامل‌تر از نفس حیوانی، و او کامل‌تر از نفس نباتی می‌باشد.

پس از بیان این اصل مهم در ساختار وجودی انسان این پرسش مهم مطرح می‌شود که: آیا نظام‌های اجتماعی و سیاسی دارای حیات و بهره‌مند از آثار موجود زنده هستند یا خیر؟ و اگر دارای حیاتند منشأ و خاستگاه حیات آن‌ها چیست؟

با کمتر تأملی می‌توان فهمید که نظام‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دارای آثار و ویژگی‌های خاصی هستند که حاکی از حیاطمندی و زنده بودن آن‌ها می‌کند؛ به عنوان نمونه نظامی که توانسته دل‌های میلیون‌ها انسان را به خود جذب کرده و آن‌ها را شیفته و مدافع خود قرار بدهد و از یک پشتوانه عمیق مردمی برخوردار باشد، به طور قطع این نظام یک موجود زنده و پویا است.

همچنین نظامی که زمینه رشد و شکوفایی علمی و صنعتی و اخلاقی را در جامعه فراهم نموده و پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌های امنیت ملی و اقتدار سیاسی و نظامی و منطقه‌ای را به وجود آورده خود بهترین گواه بر زنده بودن اوست. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم این‌گونه درباره ویژگی زنده بودن و پویایی انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدید نظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که به حمد الله با ایمان مردم امیخته است، فاصله نمی‌گیرد.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

معظم له در جای دیگر این بیانیه حکیمانه درباره ویژگی پویایی و زنده بودن نظام انقلابی می‌فرماید:

«جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و

ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است». (همان)

اگر نظامی برخوردار از آثار و برکات وجودی و حیاتی است باید پرسید منشأ و خاستگاه و سرچشمه حیات و زندگی در آن چیست؟ این نظام سیاسی دارای نفس یا صورت نوعیه‌ای است که منشأ آن آثار و خواص می‌باشد. این صورت نوعیه از آن جهت که منشأ آثار می‌باشد «قوه» نام دارد، از آن حیث که منشأ حرکت و سکون است «طبیعت» نام دارد، و از آن جهت که مقوم ماده جسمانی بوده «صورت» نام دارد، و از آن جهت که متمم جنس بوده «کمال» نام دارد. (ملاصدرا، بی‌تا، ص: ۷۰)

همان‌گونه که اختلاف و تعدد آثار و ویژگی‌ها مستند به صورت نوعیه آن می‌باشد؛ نظام ولایی و انقلابی دارای آثار و برکات و ویژگی‌های خاصی است که آن را از سایر نظام‌های حکومتی متمایز می‌کند؛ و این نشانگر آن است که صورت نوعیه این نظام یک صورت منحصر به فرد و ویژه‌ای می‌باشد. از این رو مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرمایند:

«انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن‌سازی شده است». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

در این فراز مذکور رهبر معظم انقلاب چند ویژگی از ویژگی‌های برجسته موجود زنده و پویا را برای انقلاب اسلامی و نظام ولایی مطرح می‌کنند: «مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید»، «دارای کرامت و آرمان و شعارهای اصیل بودن و پایبندی به آن‌ها»، «دارای مراحل سه‌گانه خودسازی و جامعه پردازی و تمدن‌سازی»، و «مقاومت در برابر وسوسه‌ها». (بیانیه گام دوم

انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

از مهم‌ترین آثار و ویژگی‌های انقلاب زنده و پویای اسلامی ایران که در بیانیه گام دوم بدان اشارت شده می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی، ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم، به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت رسانی، پیشرفت در عرصه علم و فناوری، ثبات امنیت و حفظ تمامیت ارضی، ایستادگی روز افزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

هنگامی که در شاکله و ساختار نظام حاکم در جهان غرب ژرف کاوی و دقت می‌کنیم با یک سری آثار و خواص و ویژگی‌هایی مواجه می‌شویم که شبیه به آثار قوای غضبیه و شهویه بوده و در مرتبه حواس پنجگانه متوقف می‌باشد. به بیان دیگر آرمان‌ها و اهداف و نگرش‌های حاکم بر جهان و تمدن غرب بر یک مبنا و پایگاه مستحکم فطری و درونی استوار نیست؛ بلکه در تعارض و ناسازگاری با فطرت توحیدی و الهی انسان می‌باشد؛ به عنوان مثال نژاد پرستی، فقدان عدالت اجتماعی، سودگرایی و منفعت طلبی، خود محوری و هوسرانی افسار گسیخته، فروپاشی کانون خانواده، تروریسم بین‌المللی، خودکامگی و استبداد و استکبار و سلطه‌گری، دسیسه و نیرنگ و شیطنت برای ضربه زدن به کشورهای مستقل و مردمی، و دیگر آثار و ثمرات تلخ تمدن غربی، همه از آثار و نتایج نظام لیبرال دموکراسی غربی است که حاکی از صورت نوعیه حیوانی درنده و هوس ران می‌باشد.

ولی هنگامی که نظام اسلامی و انقلابی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم با آثاری شبیه قوه عاقله و روح مجرد انسانی روبه‌رو می‌شویم. و اینها همه حاکی از صورت نوعیه خاصی است که نظام انقلابی از آن بهره‌مند است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دو آرمان‌ها و ارزشهای نظام انقلابی را برخاسته از فطرت الهی انسان دانسته و می‌فرمایند:

«برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی

این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهد شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل زده شوند». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) از این سخن ارزنده دو نکته به دست می‌آید: الف) - نظام ولایی و انقلاب اسلامی ریشه در فطرت و سرشت الهی و ایمان و باور قلبی انسان‌ها دارد، و آرمانها و اهداف آن کاملاً فطرت‌پسند و منطقی است.

ب) بنیان‌های فکری و معرفتی و ارزشی نظام اسلامی بر اساس حسن و قبح عقلی و ذاتی مبتنی است؛ بدین معنی که ارزش‌ها و آرمانهای مترقی این نظام مورد تصدیق و تایید عقل نظری و عقل عملی انسان‌هاست.

۲. حرکت جوهری نظام انقلابی

در حکمت متعالیه ثابت شده که جوهر و ذات اشیاء مادی در حال استکمال و تحوّل و دگرگونی است؛ همچنین نفس انسانی بدان دلیل که پیوند ذاتی با بدن دارد و نحوه وجود او ارتباط و اضافه به بدن است، دارای حرکت جوهری می‌باشد. این حرکت جوهری نفس از سنخ حرکت اشتدادی است و به سوی فعلیت بخشیدن به استعدادها و ظرفیت‌های درونی خود می‌باشد. از این رو حکیم ملاصدرا تصریح می‌کند:

«انسان گاهی از پایین‌ترین مراتب وجودی خود تا بالاترین مراتب خود با حفظ هویت شخصیش ترقی و تکامل پیدا می‌کند، و این ترقی و تکامل به صورت پیوسته و متصل می‌باشد. انسان دارای سه نوع کمال وجودی یا سه نوع عالم است: عالم طبیعی، عالم نفسانی، و عالم عقلی، و هر یک از این سه عالم نیز دارای مراتب و درجات گوناگون و بی‌شماری است. انسان تا تمام کمالات یک مرتبه را به طور کامل استیفاء نکند نمی‌تواند به مرتبه بالاتر راه یابد». (ملاصدرا، ج ۹، ص ۹۶-۹۷)

نظام انقلابی نیز در ذات و جوهر خود دارای حرکت و پویایی و تکامل است. نظام انقلابی نیز به وزن مراتب سه‌گانه نفس انسانی دارای مرتبه طبیعی و نفسانی و عقلانی است. این سیلان و پویایی و تحول، در درون و ذات نظام انقلابی نهفته است، تا زمانی که به آن رشد و کمال بایسته و شایسته خود دست یابد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿كَزُرِعَ أَخْرَجَ شَطَأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾ (فتح، آیه ۲۹) «و توصیف آنان در انجیل هست، همانند نهالی که جوانه‌اش را بر آورد و آن را نیرومند سازد و ستر گردد و بر ساقه‌هایش بایستد به گونه‌ای که دهقانان را (در تماشای خود) حیران کند».

رهبر حکیم انقلاب در تبیین این حرکت ذاتی و تکامل جوهری نظام اسلامی این‌گونه می‌فرماید:

«انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدید نظرپذیر و اهل انفعال نیست... انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

۳. قوای نفسانی نظام انقلابی

نفس انسانی دارای قوایی است که کارهای خود را به وسیله آن‌ها انجام می‌دهد. «قوه» در معنای عام خود به مبدأ و خاستگاه دگرگونی از چیزی به چیز دیگر اطلاق می‌شود. این خاستگاه درونی یا در شیء منفعل است - که به آن قوه انفعالی می‌گویند - یا در فاعل، که به آن قوه فاعلی می‌گویند مانند قوه احراق و سوزاندن که در آتش است. (اسفراینی نیشابوری، شرح کتاب النجاه لابن سینا، ص ۱۰۰) ابن سینا بر این باور است که قوای نفس همان مبادی بی است که افعال نفس از آن‌ها صادر می‌شود. (ابن سینا، ۱۳۷۵، ص ۴۷) به بیان دیگر مفهوم قوه «مبدأ برای آثار» تعریف شده؛ زیرا قوه عبارتست از مبدأ تغییر از چیزی به چیز

دیگر، از آن جهت که شیئی دیگر است. (آملی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۶)

حکیم صدر المتألهین نیز این تعریف از قوه را پذیرفته و معتقد است «قوه» آن چیزی است که کارها و افاعیل نفس توسط آن صادر می‌شود؛ «در انسان قوای مختلفی هستند که برخی از آن‌ها ادراکی و برخی تحریکی است. قوای ادراکی نیز بعضی عقلی، بعضی وهمی، و بعضی خیالی و حسی هستند. تفاوت این قوا به شدت و ضعف آنهاست، از جهت تجرد و مادیت». (ملاصدرا، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۱۴۰)

حکمای اسلامی به طور کلی قوای نفس را به دو دسته قوای تحریکی و قوای ادراکی تقسیم می‌کنند؛ و این بدان دلیل است که نفس به عنوان منشأ حیات دارای دو شاخصه و خصوصیت بارز می‌باشد؛ حرکت و ادراک. قوای تحریکی به دو دسته «باعثه» و «فاعله» تقسیم می‌شود. قوه باعثه خود به دو قوه شهوانی و غضبی تقسیم می‌گردد.

قوای ادراکی نیز در یک تقسیم‌بندی کلی به «قوای ظاهری» و «قوای باطنی» تقسیم می‌شود. قوای ظاهری عبارتند از همان حواس پنجگانه، و قوای باطنی در یک تقسیم جامع به سه قوه «مدرکه»، «حافظه» و «متصرفه» تقسیم می‌شود. قوه مدرکه باطنه یا مدرک صور است که به آن «حس مشترک» گویند، یا مدرک معنی است که به آن «واهمه» گویند. هر یک از این صور و معانی دارای یک حافظ و محل بایگانی ذخیره معلومات می‌باشند؛ حافظ و نگهدارنده صورت‌های ادراکی (حس مشترک) «خیال» نام دارد، و نگه دارنده و ذخیره‌کننده معانی موهومه «حافظه» نام دارد.

قوه «متصرفه» قوه‌ای است که ترکیب‌گر و تجزیه‌گر می‌باشد و صور و معانی را ترکیب و تجزیه می‌کند؛ حال اگر واهمه این قوه متصرفه را برای تصرف در حسیات به خدمت بگیرد، این متصرفه را «متخیله» گویند. و اگر عقل قوه متصرفه را برای تصرف در عقلیات به کار بگرد، آن متصرفه را «متفکره» گویند. (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ص ۲۸۵-۲۸۸)

اگر نظام انقلابی دارای یک نفس و صورت نوعیه خاصی است که از آن آثار و برکات وجودی ویژه‌ای صادر می‌شود، پس برای انجام کارها و کنشها و آموزش نیازمند قوا می‌باشد.

می‌توان به‌طور کلی قوای نظام انقلابی را به دو دسته «قوای ادراکی» و «قوای تحریکی» تقسیم نمود. قوای ادراکی قوایی است که مسئولیت قانون‌گذاری و تشریح و تقنین را بر عهده دارد. قوه مقننه به‌عنوان مظهر و تجلی قوای ادراکی فعالیت می‌کند.

قوه تحریکی قوه‌ای است که وظیفه اجرای برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و قوانین را در کشور دارد؛ تجلی‌گاه و مظهر قوه محرکه در نظام انقلابی قوه مجریه و دولت حاکم است که سکان دار امور اجرایی و عملیاتی را دارد.

قوه قضائیه به‌عنوان ناظر بیرونی مراقب اجرای دقیق قوانین و مقررات می‌باشد، و در صورت تخلف و قانون شکنی به محاکمه و سرزنش مجرمان و خاطیان می‌پردازد. شاید بتوان «نفس لوامه» را به‌عنوان مظهر قوه قضائیه دانست. البته با یک تفسیری نیز می‌توان حافظه و خیال را به‌عنوان کسی که تمام عملکردها و امور دیگر قوا را ثبت و ضبط می‌کند، مظهر قوه مقننه نیز به‌شمار آورد.

شایان ذکر آن که می‌توان برای تقسیم قوای نظام انقلابی به سه ساحت وجودی انسان تمسک جست؛ انسان دارای سه ساحت وجودی است: الف) - ساحت شناختی و معرفتی. ب) - ساحت احساسی و عاطفی. ج) - ساحت ارادی و کنشی. (سبزواری، ۱۴۲۱، ج ۵، ۲۶۵) این سه ساحت وجودی انسان دارای تأثیر طولی در یکدیگر هستند؛ ساحت معرفتی باعث تحریک عواطف و احساسات شده و عواطف موجب تحریک اراده می‌گردد.

نظام انقلابی نیز دارای سه ساحت معرفتی و تصمیم‌گیر، و نیز ساحت عاطفی و احساسی، و ساحت کنشی و ارادی می‌باشد. عرصه معرفتی نظام اسلامی و انقلابی در مراکز قانون‌گذار و تصمیم‌ساز و ارگان‌هایی که به‌مثابه اتاق فکر عمل می‌کنند، تجلی می‌یابد.

بعد عاطفی و احساسی نظام در مراکز و ارگان‌ها و نهادهایی که به‌نحوی در عواطف و احساسات جامعه نقش‌آفرین هستند، متبلور شده است مانند نهادها و مراکز هنری و ذوقی.

جنبه کنشی و ارادی نظام در نهادهای اجرایی و عملیاتی مانند دولت و ارگان‌های

وابسته به او تجلی می‌یابد.

شایان ذکر است همان‌گونه که توسعه و پیشرفت کمال انسانی باید متوازن و همراه با عدالت باشد و از پرورش تک بعدی و کاریکاتوری ابعاد سه‌گانه معرفتی و عاطفی و کنشی باید پرهیخت، همچنین در زمینه شاکله و ساختار نظام انقلابی باید توازن و تعادل میان سه جنبه معرفتی و عاطفی و سلوکی به‌طور دقیق رعایت شود. همچنین باید تمام این سه ساحت وجودی در طول ساحت معرفتی و مغز متفکر و مدبر نظام یعنی ولایت فقیه قرار بگیرد و به دنبال اجرای منویات حکیمانه و خردپذیر او صورت گیرد. به‌عنوان نمونه اگر ساحت معرفتی نظام با دلیل و منطق و نظرات کارشناسی ثابت کردند بهترین الگوی پیشرفت اقتصادی الگوی «اقتصاد مقاومتی» یا اقتصاد درون‌زاست، شایسته است ساحت‌های عاطفی و کنشی و اجرایی به دنبال پیاده کردن همین الگوی معقول باشند.

نقطه حائز اهمیت آن که نفس انسان همواره در جنگ و کشمکش با دو نیروی حیوانی «شهوت و غضب» و دو نیروی الهی «عقل و فطرت» است و در پرتو مقاومت و استقامت در برابر آن نیروهای شیطانی قوی و سترگ و نیرومند می‌گردد. صدر المتألهین درباره علت تأثیرگذاری شیطان بر نفوس انسان‌ها دو عامل را بر می‌شمارد؛ یک عامل مربوط به مؤثر و فاعل است که همان شیطان می‌باشد و آن عبارت است از لطافت و سرعت نفوذ شیطان در مشاعر و مجاری ادراکی انسان و گمراه نمودن او با ابزار وسوسه، و دیگری مربوط به قابلیت قابل که همان انفعال نفس‌های سست و ضعیف در برابر لشکریان شیطان می‌باشد؛ این لشکریان عبارتند از قوه شهوت و غضب و به‌ویژه قوه واهمه. (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ۲۹۸)

در نظام انقلاب نیز این کشمکش و نزاع همواره بین قوای خیر و شر وجود دارد؛ از یک سو قوه مدبره و عاقله نظام که در دیدبان نظام و مقام ولایت فقیه تجلی یافته، و نیز ایمان راسخ و باورهای عمیق مردم که به ارزش‌ها و ارمان‌های نظام دارند. و از سوی دیگر استکبار جهانی و نظام سلطه که به کمک خودباختگان و انسان‌های سست‌عنصر و ضعیف داخلی در صدد ضربه زدن بن نظام انقلابی هستند. بین این دو دسته نیروی خیر و شر

همواره جنگ و کشمکش و تنازع وجود دارد.

پیش از این بیان شد که نظام سلطه استکباری و تمدن غربی به منزله قوه شهویه و غضبیه می‌ماند؛ و نظام اسلامی و انقلابی که در رأس آن حکیمی فرزانه و خودساخته و عادل است به منزله قوه عاقله حاکم. همواره بین این دو قوه عاقله و قوای حیوانی که در قوای شهویه و غضبیه جلوه‌گر شده درگیری و تنازع وجود دارد. از همین جا مفهوم «مقاومت اسلامی» شکل می‌گیرد. جبهه مقاومت جبهه‌ای است که در برابر زیاده طلبی و طغیان و سرکشی قوای حیوانی و شر عالم ایستادگی کرده و در پرتو ایمان راسخ به ارزشهای الهی نظام انقلابی و دستورات دیدبان فرزانه آن ایستادگی و مقاومت می‌کند.

مهم‌ترین عامل پیروزی در این جنگ میان عقل و قوای حیوانی تقویت درونی و افزایش عوامل اقتدار ملی است.

نفس پژوهان بر این باورند که روی برتافتن نفس انسانی از مشغله‌های بیرونی و پرهیز از التفات به محسوسات و تخیلات و لذت‌ها و کام‌جویی‌های افراطی حیوانی از یک سو، و توجه و تمرکز به توانمندی‌های درونی و بازگشت به خویشتن خویش از سوی دیگر، مایه تقویت و نیرومندی قوای نفسانی انسان و به دنبال آن صدور کارها با قوت و قدرت بیشتری خواهد شد.

اهل معرفت بر این باورند که مشغله‌های بدنی مانند سوء مزاج مغز، پرداختن نفس به لذت‌های دنیوی، به کارگیری قوه متخیله در تخیلات فاسد، فرو رفتن در شهوت‌ها، حرص و ولع به امور خلاف شرع موجب تاریکی نفس شده و نیروهای ذاتی او را پراکنده می‌کند. (قیصری، ۱۳۷۵، ۱۰۰)

در عرفان نظری بر این نکته تأکید می‌شود که عارف در پرتو «همت» و توجه و تمرکز شدید نفس بر چیزی می‌تواند به اذن خداوند آن را در خارج ایجاد کند؛ «العارف یخلق بهمته» (ابن عربی، ۱۳۸۵، ۳۸۲ - ۳۸۳) مؤید الدین جندی در تعریف «همت» می‌گوید: «خلق العارف بالهمه هو باستجماعه فی فکرة و وهمة علی ایجاد أمر و تعلیق الهمه بذلک»

وتسلیط النفس علیه». (جندی، ۱۳۸۱، ۳۹۱)

همچنین یکی از مهم‌ترین آسیب‌های جدی در نظام انقلابی فرو رفتن مسئولین و به تبع مردم در لذت‌های مادی حیوانی و اشرافی‌گری و حس‌گرایی افراطی است. از سوی دیگر توجه به معنویت و اخلاق در جامعه و تمرکز در قوای انسانی و تقویت اراده و ایمان و باورهای قلبی اقشار جامعه می‌تواند مهم‌ترین عامل تقویت از درون باشد.

شایان ذکر آن که اگر نفس انسانی جنبه ذاتی و فرامادی و روحی خود را تقویت کند آثار و برکات و تولیدات خود را افزایش می‌دهد و خلاقیتش رشد می‌کند. از این رو ملاصدرا بر پایه اصالت وجود بر این باور است که: «هر چه وجود قوی‌تر و کامل‌تر باشد، آثار مترتب بر آن زیادتر خواهد بود؛ زیرا وجود به خودی خود منشأ اثر است». (ملاصدرا، ۱۴۱۰، ج ۹، ۲۶۳ - ۲۶۴)

ایشان در ضمن یک استدلال عقلی این‌گونه توانایی ذاتی نفس انسانی را تحلیل می‌کنند:

«نفس انسانی از سنخ ملکوت و جهان قدرت و سطوت است (صغرا)، و هر موجودی که چنین باشد ذاتاً فیتاض و قادر بر ابداع و اختراع صورت‌های مادی و غیر مادی است (کبرا)». (همان، ج ۱، ۲۶۴)

به بیانی دیگر نفس انسانی حقیقتی مجرد و فرامادی و از سنخ جهان ملکوت می‌باشد؛ از این رو بر جهان ماده چیرگی و تفوق دارد؛ اگر موانع و زنگارهای نفس که فرو رفتن در تمایلات حیوانی و مادیات است زدوده شود و نیز نفس با سرچشمه قدرت و اراده و حیات پیوند وجودی برقرار کند می‌تواند منشأ آثار و برکات خارق العاده و منحصر بفردی شود. امام علی علیه السلام در نامه‌ای که به سهل بن حنیف نوشته‌اند، می‌فرمایند:

«والله ما قلعت باب خيبر و قذفت به أربعين ذراعاً لم تحس به أعضائي، بقوة جسديَّة ولا حركة غذائيَّة ولكن أيدت بقوة ملكوتيَّة و نفس بنور ربها مضيئة». (طبری، ۱۳۸۳، ۱۹۱).

بنابراین اگر سه عامل: ۱. اقتضای ذاتی نفس، ۲. زدودن موانع نفس، ۳. تقویت و

نیرومندسازی نفس در پرتو اتصال به سرچشمه نور و حیات، کنار یکدیگر فراهم شوند، نفس به حالتی دست می‌یابد که از آن به «همّت» یا «جمعیت قوا» یا «رجوع به خویشتن» تعبیر می‌شود؛ به عبارت دیگر «همّت» برآیند و ثمره سه عامل مذکور است.

صدر المتألّهین منشأ صدور کارهای خارق العاده نفس را قوّت همت و شدت جمعیت قوا می‌دانند و «جمعیت قوا» را این‌گونه تعریف می‌کند: «إذا اجتمع الإنسان فی نفسه حتی صار شيئاً واحداً، نفذت همّته فیما یُرید وهذا ذوقُ أجمع علیه أهل الله قاطبةً.» (ملاصدرا، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۴۲)

نظام انقلابی نیز در پرتو تقویت جنبه‌های فرامادی و روحی و معنوی می‌تواند استعداد های انسانی و الهی خود را شکوفا و فعال نموده و آثار و برکات وجودی خاصی از خود برجای گذارد. به عنوان نمونه نهضت مقاومت و پایداری در کشورهای اسلامی و پیروزی بر جریان‌های تکفیری از برجسته‌ترین آثار و برکات نظام انقلابی به شمار می‌آید.

۴. «رابطه نفس نظام با قوایش»

پرسش مهمی این است که: رابطه نفس با قوایش چگونه رابطه‌ای است؟ حکیم صدر المتألّهین بر این باور است که قوای نفس هویتی مستقل از نفس ندارند بلکه همان مراتب و شئون و اطوار نفس به شمار می‌آیند؛ به بیان دیگر نفس دارای وحدت سریانی است و در مراتب خود یا قوای خویش سریان و حضور دارد؛ «نفس انسانی در هر مرتبه‌ای از مراتبش عین همان مرتبه است؛ از این رو در هنگام تعقل، نفس عین قوه عاقله است و در هنگام تخیل، عین قوه متخیله است و همین‌طور نسبت به سایر قوا.» (همان، ص ۱۳۵)

بر پایه حکمت متعالیه انسان دارای دو وجود تفصیلی و اجمالی است؛ وجود تفصیلی انسان با یک ماده جوهری مثل نطفه پدید می‌آید و شروع به حرکت جوهری نموده و به تدریج کمالات گیاه و حیوان و انسان در او به فعلیت و شکوفایی می‌رسد؛ این کمالات به هم پیوسته و متصل دارای درجات شدید و ضعیف و نقص و کمال است تا برسد به انسان کامل.

اما وجود اجمالی و جمعی انسان در مقام عقلی او مندمج است؛ به طور کلی انسان دارای یک مرتبه طبیعی و یک مرتبه نفسانی و یک مرتبه عقلی است. منظور از مقام طبیعی همان قوای قائم به بدن است؛ مرتبه طبیعی انسان ظلّ و جلوه مرتبه نفسانی یا مثالی انسان است؛ و مرتبه مثالی تجلی و سایه مرتبه عقلی است. همه کمالات وجودی مراتب مادون عقل، در مرتبه عقلی به نحو اجمال و بساطت و وحدت مندک است. لذا مرتبه عقلی نفس که دارای تجرد تام است واجد همه کمالات نفسانی و قوای مادون خود است اما به نحو جمعی و بسیط. (امینی نژاد، ۱۳۹۸، ص ۴۱)

همان گونه که همه کمالات انسانی به نحو بساطت و وحدت و اجمال در مرتبه عقلی نفس مندمج و مندک است؛ همین طور همه مراتب و قوای نظام انقلابی در عقل مدبّر و تدبیرکننده آن یعنی «ولی فقیه» مندک و مجتمع است، به گونه ای که همه ارکان نظام مشروعیت خود را از این سرچشمه دریافت می کند. نکته شایان ذکر آن که رهبری و جایگاه ولی فقیه قبض قوای نظام، و قوای نظام بسط و توسعه یافته مقام ولی فقیه است. و این همان نظریه وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت می باشد.

۵. رابطه نفس و بدن در نظام انقلابی

نظام انقلابی یک بُعد فرامادی و مجرد دارد که به منزله روح برای جنبه مادی و جسمانی اوست. بُعد روحی و فرامادی و نرم افزاری نظام انقلابی عبارت است از آرمان ها و ارزش های الهی و توحیدی، جهان بینی و ایدئولوژی توحیدی و الهی، قوانین و احکام و آموزه های مبتنی قرآن و سنت.

اما بُعد مادی و جسمانی نظام انقلابی که به منزله بدن است برای روح، عبارت است از: پیشرفتهای مادی در عرصه های گوناگون اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، مسکن و شهرسازی، سلامت و بهداشت، و دیگر دستاوردهای مادی و دنیوی.

بدون شک میان جنبه فرامادی و بُعد جسمانی و مادی نظام انقلابی یک پیوند تنگاتنگ وجود دارد؛ همان رابطه ای که میان نفس و بدن در حکمت متعالیه مطرح است. بر

پایه حکمت متعالیه نفسیت نفس در گرو پیوند وجودی با بدن می‌باشد، و در صورت زوال این رابطه ذاتی و وجودی با بدن نفس بودن نفس از بین می‌رود؛ بنابراین هویت نفس مرهون ارتباط و پیوند ژرف او با بدن است:

«نفس بودن نفس امری زائد بر نفس نیست چنان‌که برخی گمان کرده‌اند نسبت نفس با بدن مانند نسبت پادشاه به شهر یا کشتی بان به کشتی است؛ بلکه نفس بودن نفس نحوه وجود نفس است نه این‌که حالتی عرضی برای او باشد. از این رو نفس تا زمانی که نفس است در ذات خود به بدن وابسته است، مگر این‌که در اثر حرکت جوهری تبدیل به جوهری مفارق و مجرد گردد. (ملاصدرا، ۱۴۰۲، ص ۲۳۸)

در نظام انقلابی نیز میان روح و نفس آن با بدن و جسم آن یک پیوند تنگاتنگی برقرار است؛ به گونه‌ای که هر گونه پیشرفت مادی در همه زمینه‌های اقتصادی و صنعتی و کشاورزی در گرو آن بُعد نرم افزاری و آن روح توحیدی و معرفتی نظام است.

شایان توجه آن که نباید از اصل «تسخیر بدن در خدمت روح» غفلت نمود؛ در نظام انقلابی اصالت با جنبه‌های روحی و فرامادی انقلاب است؛ از این رو جنبه‌های مادی باید در خدمت جنبه‌های روحی و فرامادی قرار بگیرد؛ امیر مومنان علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«أسهروا عیونکم، وأضمرُوا بطونکم، واستعملوا أقدامکم، وأنفقوا أموالکم، وخذوا من أجسادکم فجدودوا بها علی أنفسکم ولا تبخلوا بها عنها». (نهج البلاغه: خطبه ۱۸۳). بدن بایستی در خدمت روح الهی و تحت تسخیر او باشد؛ نه این‌که روح و نفس انسان در خدمت تمایلات حیوانی قرار بگیرد.

۶. آسیب‌شناسی نظام انقلابی

ملاصدرا عوامل و علت‌های فساد در هر موجود فاسدی را دو چیز مهم می‌داند: ۱. داخل شدن ضدّ یک شیء درون آن. ۲. از بین رفتن یکی از علت‌های چهارگانه یک شیء:

«فساد هر امر فاسدی یا به خاطر وارد شدن ضد آن شیئی بر اوست و یا به خاطر تباه شدن یکی از علت‌های چهارگانه او یعنی: فاعل، غایت، ماده، صورت، می‌باشد». (ملاصدرا،

هر موجود زنده‌ای که فسادپذیر باشد از دو جهت مورد تهدید واقع می‌شود؛ یکی از جهت رسوب و نفوذ عوامل مضاد و منافی با هویتش؛ و دیگری از سوی نابود شدن و زوال یکی از علل چهارگانه فاعلی، غایی، صوری، یا مادی آن می‌باشد. نظام انقلابی به عنوان موجودی زنده و پویا و دارای نفس از این آسیب‌های جدی مصون نیست. هرگونه اندیشه و آرمان و هدفی که با هویت انقلابی و اسلامی منافات و در تضاد باشد اگر در داخل نظام لانه کند موجب فساد و نابودی نظام انقلابی خواهد شد؛ اموری مانند سازش با ستمگران و اهل طاغوت و سلطه‌پذیری، ماده‌گرایی و نفی معنویت و عدالت و اخلاق و عقلانیت، کنار گذاشتن تفکر جهادی و سستی ورزیدن در انجام تکالیف و غیره موجب زوال نظام انقلابی خواهد شد. همچنین فاصله گرفتن از علل چهارگانه نظام انقلابی نیز آن را به فساد نزدیک می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شده نظریه «نظام انقلابی» بر اساس ساختار وجودی انسان ترسیم و تحلیل شود. همان‌گونه که در حقایق عینی و تکوینی نفس یا صورت نوعیه شیء منشأ آثار و خواص و خصوصیات اوست؛ همچنین در نظام انقلابی آثار و برکات و خواص منحصر به فرد او برخاسته از نفس یا صورت نوعیه او می‌باشد. از این رو رهبر معظم در بیانیه گام دوم تصریح می‌کنند که انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است.

همچنین نفس انسانی بدان دلیل که پیوند ذاتی با بدن دارد و نحوه وجود او ارتباط و اضافه به بدن است، دارای حرکت جوهری می‌باشد. این حرکت جوهری نفس از سنخ حرکت اشتدادی است. نظام انقلابی نیز در ذات و جوهر خود دارای حرکت و پویایی و تکامل است. نظام انقلابی نیز به وزن مراتب سه‌گانه نفس انسانی دارای مرتبه طبیعی و نفسانی و عقلانی است.

اگر نظام انقلابی دارای یک نفس و صورت نوعیه خاصی است که از آن آثار و برکات وجودی ویژه‌ای صادر می‌شود، پس برای انجام کارها و کنشها و آموزش نیازمند قوا می‌باشد. می‌توان به طور کلی قوای نظام انقلابی را به دو دسته «قوای ادراکی» و «قوای تحریکی» تقسیم نمود. قوای ادراکی قوایی است که مسئولیت قانون‌گذاری و تشریح و تقنین را بر عهده دارد. قوه مقننه به عنوان مظهر و تجلی قوای ادراکی فعالیت می‌کند.

قوه تحریکی قوه‌ای است که وظیفه اجرای برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و قوانین را در کشور دارد؛ تجلی‌گاه و مظهر قوه محرکه در نظام انقلابی قوه مجریه و دولت حاکم است که سکان دار امور اجرایی و عملیاتی را دارد.

نظام انقلابی به عنوان موجودی زنده و پویا و دارای نفس از سوی دو آفت و آسیب مورد تهدید قرار می‌گیرد؛ یکی از جهت رسوب و نفوذ عوامل مضاد و منافی با هویتش؛ و دیگری از سوی نابود شدن و زوال یکی از علل چهارگانه فاعلی، غایی، صوری، یا مادی آن.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، قم ۱۳۷۸ ش.
۲. نهج البلاغه (للصبحی صالح)، شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، قم: هجرت.
۳. ملاصدرا، بی تا، العاشیة علی الهیات الشفاء، قم، منشورات بیدار.
۴. ملاصدرا، ۱۴۰۲ه، العرشیه، تصحیح غلام حسین آهنی، تهران، منشورات المولی.
۵. ملاصدرا، ۱۳۶۶، الشواهد الربوبیه، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
۶. ملاصدرا، ۱۴۱۰ق، صدرالدین محمد بن ابراهیم، الحکمه المتعالیه فی الأسفار الأربعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم.
۷. ملاصدرا، ۱۳۸۰، المبدأ والمعاد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
۸. سبزواری، ملاهادی، ۱۴۲۱ق، شرح المنظومه، تصحیح و تعلیق آیه الله حسن زاده آملی، تهران: منشورات ناب، چاپ اول.
۹. طبری، عمادالدین، ۱۳۸۳ق، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی؛ نجف: المكتبة الحیدریة.
۱۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، مجموعه آثار شهید مطهری، قم، صدرا، چاپ هشتم.
۱۱. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۸۷، اصول فلسفه رئالیسم، قم، بوستان کتاب.
۱۲. جنیدی، مؤید الدین، ۱۳۸۱، شرح فصوص الحکم، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.
۱۳. ابن عربی، محیی الدین، ۱۳۸۵، فصوص الحکم، برگردان محمد علی موحد، تهران: نشر کارنامه، چاپ اول.
۱۴. قیصری رومی، محمد داوود، ۱۳۷۵، شرح فصوص الحکم، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۱۵. سبزواری، ملاهادی، ۱۴۲۱ق، شرح المنظومه، تصحیح و تعلیق آیه الله حسن زاده آملی، تهران: منشورات ناب، چاپ اول.
۱۶. آملی، محمد تقی، ۱۳۷۷ق، درر الفوائد، تهران، مرکز نشر کتاب.
۱۷. ابن سینا، ۱۳۷۵، النفس من کتاب الشفاء، تحقیق حسن زاده آملی، قم، مکتب الاعلام

الاسلامی.

۱۸. عابدی نژاد، امین رضا، ۱۳۹۶، *ماهیت و الزامات فقه پیشرفت*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.

۱۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت نامه*، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۰. ابن منظور، بی تا، *لسان العرب*، تحقیق عبد الله علی الکبیر و محمد أحمد حسب الله وهاشم محمد الشاذلی، بیروت، دار المعارف..

۲۱. امینی نژاد، علی، ۱۳۹۸، *تکمله نهایی الحکمه*، تهران، انتشارات آل احمد (صلی الله علیه وآله).

۲۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه ای: khamenei.ir